



مصیب سامانیان
عضو هیأت علمی دانشگاه یجنورد

کنکاشی در ادبیات کودکان و نوجوانان





کودک کیست؟

کودک در واقع یک کودک است. انسان کوچکی که خالص و مستعد برای یادگیری است، کسی که باید در میان مردم با یک جسم و یک روح و با نیازهای جسمی و روحیش زندگی کند. با احساساتی که بتواند دنیای اطرافش را حس و تجربه کند، با فکری که دنیا را کشف کند و روابط میان اشیاء و انسان را در محیطش درک کند، با قلبی که عشق بورزد و مورد علاقه واقع شود. با احساس ایده‌آل‌های انسانی و با توانایی‌های ذاتی، خوب و بد را از هم تمیز دهد و بتواند رشد و پیشرفت کند. کودکان موجودات کوچک و معصومی هستند که نبایستی اندیشه‌های نامطلوب و یأس‌آور به مغز و فکرشان نفوذ یابد و تا زمانی که قدرت فردی آنها تثبیت نشده نباید در معرض مسائلی قرار گیرند که قادر به رویارویی و مقابله با آنها نیستند. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید "فرزندان خود را برای دنیای غیر از دنیای خود تربیت کنید چه آنها در زمانی غیر از شما خواهند زیست" یعنی باید کودکانمان به انسانهایی با شخصیت تبدیل شوند، انسان‌هایی با بدن‌ها و ذهن‌های نیرومند که شرافتمند و سختکوش باشند.

در همه ادیان الهی به ویژه در شرع مقدس اسلام، کودکان مورد عنایت و توجه خاصی قرار گرفته‌اند و برای کودکان حقوقی قابل شده‌اند زیرا کودک عضوی از پیکره اجتماع است و مبنای تشکیل اجتماعات پیشرفته‌ای می‌باشد و توجه به او اهمیت ویژه‌ای برای اجتماع دارد.

یک ضرب‌المثل معروف چینی می‌گوید "اگر برنامه یکساله داری گندم بکار، اگر برنامه دهساله داری گردو بکارو اگر برنامه صدساله داری انسان بساز" یعنی اگر برنامه درازمدت توسعه و تسلط فرهنگی داری لازم است کار تعلیم و تربیت را در دست بگیری و در مغز انسانها نفوذ کنی. عملی ساختن این حقیقت غیرقابل انکار فکر و کار و وسایل فراوان می‌خواهد که یکی از اساسی‌ترین آن ادبیات کودکان است. اگر ریشه‌های دانش کودک از گذشته تا حال پابرجا نشود، کنجکاوی‌های علمی او پاسخ لازم را نیابد، نیازهای عاطفی او در زندگی ارضا نگردد با مثل و مناطق مختلف جهان از طریق انواع مواد خواندنی آشنا نشود و احساس همبستگی و مسؤلیت بشر امروزی در او پدیدار نگردد، پس چگونه می‌توان او را برای

دنیای آینده آماده ساخت؟

برای کودکان که باید از سالهای کودکی خود به خوبی بهره گیرند، استعدادها و توانایی‌های لازم را برای خدمت به دیگران و خوشبختی خود بدست آورند، کتاب بسیار ضروری است زیرا کتاب وسیله‌ای است برای ایجاد آگاهی و پرورش فکر و باروری اندیشه.

کودک در آغاز زندگی هیچ‌گونه شناختی از محیط پیرامونش ندارد و به تدریج در مسیر این شناسایی قرار می‌گیرد باید از یک سو درباره جهان آگاهی پیدا کند و از سوی دیگر توانایی جذب و هماهنگی ساختن حقایق و اندیشه‌ها و نیز شوق فراگیری در وی پرورش یابد. از این رو باید بیاموزند که در شرایط مختلف زمان چگونه بخوانند تا بتوانند به کشف و درک بسیاری از مسایل نایل آیند. کودک با خواندن به سوی درک مسایل جهان سوق داده می‌شود و باید در وی عادت به خواندن ایجاد شود کتابهای مناسب و کتابخانه‌ها سهم مؤثری را در این راستا دارند.

کتاب موجب رشد و تکامل فردی بچه‌ها در رابطه فرد با خود، فرد با فرد و فرد با اجتماع می‌شود. کتاب موجب پرورش و شکوفایی فکر کودکان می‌گردد. آشنایی کودک با انواع کتابها، چگونگی استفاده از آنها، کسب توانایی قضاوت درباره آثار و تمیز دادن میان بهترین و بدترینها و بالاخره میل به کسب معلومات و لذت بردن از مطالعه از طریق پر بار ساختن ادبیات کودکان و کتابخانه‌های کودکان صورت می‌گیرد. کتاب مناسب نقش تکمیل‌کننده معلومات و سطح آگاهی کودک را به عهده دارد.

نخستین گام در جهت آشنایی کودک با کتاب و کتابخوانی در خانه برداشته می‌شود. کودک در کنار والدین خود به ویژه مادر با کتاب رابطه آشنایی و سپس دوستی و علاقه برقرار می‌کند. این کار را حتی با تهیه یک کتاب می‌توان آغاز کرد و سپس به گسترش آن پرداخت و در دنباله مطلب می‌توان جمله پائولو فریره متفکر تعلیم و تربیت برزیلی را داشت "در صورتی که مادر خانواده باسواد باشد تمامی افراد باسواد خواهند شد".

ادبیات کودک چیست؟

پس از سقوط امپراطوری روم در قرن پنجم میلادی به



مدت هشت قرن یعنی تا حدود ۱۳۰۰ میلادی تلاش‌های مداومی برای حفظ وحدت تمدن و فرهنگی که بر اثر پیدایش و نضج روح ملی لطمه‌ای فراوان دیده بود به چشم می‌خورد با این حال میراث یونان و روم کهن تا امروز نیز کم و بیش به قوت و قدرت و نفوذ خویش باقی مانده تا آنجا که می‌توان فرهنگ و ادبیات و زبان‌های امروزی اروپا را بازمانده و دنباله پیشرفت تمدنی دانست که پایه‌هایش را یونان و روم قدیم استوار ساخته‌اند. از قرن یازدهم تا سیزدهم است که در اکثر کشورهای اروپایی تکوین ادبیات ملی آغاز می‌شود.

به نظر بعضی پیدایش ادبیات کودکان و نوجوانان را به اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی نسبت می‌دهند. زمانی که در فرانسه شارل‌پرو و همچنین بعد برادران گریم در آلمان؛ داستانها و افسانه‌های عامه را جمع‌آوری نمودند و با این جمع‌آوری و بازنویسی پایه‌های ادبیات کودکان را بنا گذاشتند بعضی پیدایش آن را در قرن نوزدهم در شمال اروپا در دانمارک، از قلم مردی که هرگز تصمیم نداشت نویسنده، آن هم نویسنده اطفال شود داستانهایی بر صفحه کاغذ سرازیر شد که در واقع ادبیات کودکان جهان را به مفهومی که ما امروز از آن داریم پایه‌گذاری کرد این مرد که او را جهانیان پدر ادبیات کودکان می‌نامند هانس کریستین اندرسن بود. عده‌ای را اعتقاد بر این است که ادبیات کودکان و نوجوانان تاریخ شروع معینی ندارد و دقیقاً زمانی را نمی‌توان به عنوان مبداء مطرح و بازگو نمود.

شاید بتوان گفت که نخستین کتاب مخصوص کودکان زیر عنوان یادگاری برای کودکان بین سالهای ۱۶۷۱ م و ۱۶۷۲ م بوسیله یک روحانی مسیحی بنام جیمزجان‌وی James Joneway در انگلیس نوشته شد و انتشار یافت که بیشتر رنگ مذهبی داشت و می‌خواست افکار و عقاید مذهبی را به عنوان بهترین وسیله جلوگیری از ترس به کودکان تلقین کند.

در سال ۱۶۷۸ م کتاب پیشرفت زوار بوسیله جان بانیان John Bunyan نوشته شد این کتاب هم برای بزرگسالان و هم خردسالان قابل استفاده بود و به آموزش اخلاقی و مذهبی توجه داشت تا اوایل قرن هجدهم میلادی هر چه نوشته می‌شد رنگ مذهبی و اخلاقی داشت.

در قرن ۱۸ م گام‌های مهم و مؤثری در این مورد برداشته شد و نویسندگان داستان‌هایی برای کودکان تألیف و ترجمه

کردند در فرانسه پل هازارد Paul Hazard کتاب‌های خوب و مطبوعی زیر عنوان کودکان و نوسودان منتشر کرد و نوشت "وقتی ما مدتها برای پیدا کردن لباس مناسب و مخصوص برای فرزندان خود فکر می‌کنیم چرا نباید به فکر تهیه کتاب‌های مناسب برای ایشان باشیم؟"

انتشار کتاب امیل Emil ژان ژاک روسو Rousseau در سال ۱۷۹۲ م عصر تازه‌ای برای کودک بشمار می‌رود زیرا او گفت "زندگی سعادت‌مند برای یک کودک این است که آزاد باشد و در محیط سالم و طبیعی زندگی کند." در سال ۱۸۰۳ م نخستین قرائت خانه کودکان تا ۹ ساله در آمریکا دایر شد. گودریچ Good Richsamual برای نخستین بار کتاب‌هایی زیر عنوان پترپارلی Peter Parley برای کودکان نوشت.

سپس کتاب‌هایی درباره سرگذشت مردان مشهور، اطلاعات علمی، تاریخ و جغرافیا برای کودکان نوشته شده است. در پایان همین قرن (قرن نوزدهم) که ابتدا در آمریکا و سپس در سایر کشورها نظریه فلسفی پراگماتیسم Pragmatism یا اصالت عمل در آموزش و پرورش راه یافت و جیمز James و دیویی Dewey به ترتیب پیشروان این مکتب اظهار نمودند که هر گونه معرفت یا شناخت از تجربه Experience حاصل می‌شود و درستی و نادرستی نظریه‌ها باید در عمل یا کاربرد مورد سنجش و بررسی قرار گیرند، فلسفه تربیتی جدید دیویی این حقیقت را تأکید کرد که تربیت یک عمل اجتماعی است رغبت‌های کودک بسیار مهم هستند و باید محور هر گونه فعالیت تربیتی قرار گیرند و تفکر به عنوان یک عمل برای حل مسأله واقع شود و این نظریه باعث بروز تغییراتی به شرح زیر گردید:

۱. درج نظرات فوق در کتابهای کودکان
 ۲. تأسیس کتابخانه‌های تازه برای کودکان
 ۳. نوشته‌های مربوط به رفتار خوب و مطلوب بیشتر شد
 ۴. برنامه درسی مدارس تغییر یافت
 ۵. بازی به عنوان یک قسمت از زندگی کودک شناخته شد بنابراین می‌توان ادبیات کودکان و نوجوانان را به گونه زیر تعریف نمود:
- به مجموعه آثار نوشته‌هایی (کتابها و مقالات) گفته می‌شود که بوسیله نویسندگان متخصص برای مطالعه آزاد کودکان تهیه می‌شود و در همه آنها ذوق و سطح رشد و نضج



نمی‌دهد که فعالیت‌های خود را در حد مطلوب انجام دهد آن چنان که پاسخگوی نیازها و رغبت‌های همه دانش‌آموزان باشد. و ماکسیم گورکی موارد دیگری را نیز بیان می‌کند که می‌تواند جزء اهداف ادبیات کودکان باشد از آن جمله است: "کودکان باید با فرهنگی گسترده‌تر و فعالتر از والدینشان بنیان‌گذاران دنیای نو باشند ما موظفیم که آنان را برای مقاومت در مواجهه با شیوه‌های پوسیده زندگی قدیم و تأثیرات ارتجاعی آن از همان کودکی با تمامی قدرت‌های علم مجهز سازیم."

و اعتقاد وی بر این است که "باید بکوشیم که بهترین نویسندگان و هنرمندان، کتابها و مجموعه‌هایی به ما ارائه دهند مختص ملیت‌های مختلف، کتاب اینها می‌تواند آداب و رسوم ملی را در مسیر تغییر و تکاملی خود نشان دهد با این همه نباید تصور کرد که تمامی کتاب‌های کودکان بدون استثناء باید تحویل دهنده مشتی معلومات باشند این کتابها نباید مشکل درسی و خشک بر خود بگیرند باید با زبان تصویر صحبت کنند باید هنرمندانه باشند ما به کتابهای تفریحی و شادکننده که قوه درک شوخی و طنز را در کودکان پرورش دهند نیاز داریم، باید شخصیت‌های تازه و خنده‌آوری خلق کرد که قهرمانان یک سری وسیع کتابهای کودکان شوند.

کودکان در سنین قبل از مدرسه احتیاج به اشعار ساده و در عین حال هنرمندانه‌ای دارند که وسیله‌ای برای بازی‌هایشان باشند در کنار شعرهای استادان امروزی کتاب کودک باید مجموعه‌هایی از بهترین نمونه‌های اشعار ملی هم منتشر شود." در جهان متغییر قرن بیستم کودک فرد مهم خانواده،

کودکان مورد توجه است.

با توجه به تعریف فوق ادبیات کودکان:

۱. تمام مسائل زندگی کودکان را دربر می‌گیرد.
۲. قدرت تخیل آنها را گسترش می‌دهد.
۳. تجربه‌های متعدد و متنوع را در اختیارشان می‌گذارد.
۴. قدرت خلاقیت آنها را برمی‌انگیزد و پرورش می‌دهد.
۵. آنها را به طور غیرمستقیم برای مواجهه با مسائل زندگی آماده می‌نماید.

۶. با بیان تجارب گوناگون کمبود و محدودیت درسی و زمان مدرسه و وقت معلم را جبران می‌کند.

و ماکسیم گورکی اشاره می‌کند "ما به کودکان ۷ و ۸ ساله خواندن و نوشتن را می‌آموزیم ولی آنان فاقد مطالبی برای مطالعه‌اند هر سال صدهزار نفر به تعداد باسوادان ما افزوده می‌شود ولی کتابهای مناسب برای آنها وجود ندارد" و ممکن است در صورت قطع شدن آموزش رسمی مجدداً بیسوادی برگشت نماید لذا او اعتقاد دارد که در هر محلی که مهدکودک و کودکتانی تأسیس می‌شود نیاز به کتابهای کودکان وجود دارد.

ماکسیم گورکی می‌گوید "برای کودک کتابی نوشته نشده است، کتابی که کمکش کند تا در وی علاقه و کنجکاوی برای دانستن بوجود بیاید، یادگیری دروس مدرسه را ساده‌تر کند و وی را با واقعیت‌ها آشنا سازد که توسط پدرانش ناپود شده و واقعیات نویسی که پدرانش برای وی پدید آورده‌اند." هدفهایی که ادبیات کودکان دنبال می‌کند:

۱. ذوق و علاقه مطالعه آزاد را در کودکان برانگیزد.
۲. کودکان را با مسائل گوناگون زندگی آشنا کند.
۳. محدودیت و کمبود کتابهای درسی را از لحاظ مطالب تأمین کند.
۴. اوقات فراغت دانش‌آموزان را سودبخش کند.
۵. استعدادهای ذهنی مختلف دانش‌آموزان را آشکار کند و گسترش دهد.

۶. کودکان را با جهان وسیع معرفت و فرهنگهای مختلف انسان آشنا کند.

۷. دانش‌آموزان را در پیشرفت تحصیلی کمک کند.
۸. معلمان را در امر آموزش و پرورش یاری کند زیرا کمی فرصت و محدودیت اوقات رسمی مدرسه به معلم امکان



مدرسه و جامعه گردیده است به طوری که روانشناسان و متخصصان تعلیم و تربیت این قرن را قرن کودک نامگذاری کرده‌اند و کودک سالاری به شدت گسترش یافته است البته نباید منکر این واقعیت شد که همیشه کودک است که رشد می‌کند و بزرگسال می‌گردد در حالی که هرگز بزرگسالی به خردسالی بازگشت نمی‌کند لذا با جرأت می‌توان گفت پس همیشه کودک است که باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد و بر این اساس فلسفه جدید آموزش و پرورش بر این اصل استوار شد که دوران کودکی باید لذتبخش باشد و به کودک فرصت داده شود که کودکی کند و نیازها و رغبت‌های خود را به صورت مطلوب و مشروع ارضا کند.

مختصری از ادبیات کودکان در کشور ایران

جنبش ادبیات کودکان در ایران به مفهوم تازه‌اش مدیون گروهی است که به انتشار مجله سودمند سپیده فردا در دانشسرای عالی سابق تهران همت گماشتند و ضمن آشنا ساختن معلمان و مربیان با اصول آموزش و پرورش جدید مسأله مهم ادبیات کودکان را برای نخستین بار مطرح کردند و راهنمایی‌هایی در این مورد به عمل آوردند.

به همت و کوشش گروه مذکور ادبیات کودکان به صورت یک ماده درسی به برنامه درسی مراکز تربیت معلم یکساله افزوده شد و به طور رسمی آن را تدوین کردند. نخستین کتاب درسی مدون بنام اصول ادبیات کودکان در سال ۱۳۴۰ تألیف و منتشر شد و سپس کتاب گذری بر ادبیات کودکان در سال ۱۳۵۵ از طرف شورای کتاب کودک چاپ و منتشر شد.

از دیگر عوامل بسیار فعال و مؤثر در ترویج ادبیات کودکان به مفهوم امروزیش شورای کتاب کودک را می‌توان نام برد که در زمستان ۱۳۴۱ با شرکت و همکاری عده‌ای از مربیان علاقه‌مند و متخصص آغاز به کار کرد.

یکی دیگر از عوامل اشاعه ادبیات کودکان به مفهوم جدیدش، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است که در سال ۱۳۴۵ تأسیس شد و کتاب‌های مختلف و متعددی برای کودکان و نوجوانان انتشار داد و چند کتابخانه عمومی در نقاط مختلف کشور بنیان گذاشت.

چه مشکلاتی بر سر راه ادبیات کودکان و نوجوانان ایران وجود داشت که باعث کندی حرکت ادبیات کودکان و نوجوانان گردید؟

به طور فهرست‌وار به دلایل زیر می‌توان اشاره نمود:

۱. روشن نبودن مفهوم ادبیات کودکان (که بین ادبیات و مطالب خواندنی فرق است).

۲. فزونی تعداد ترجمه بر تألیف به طور متوسطه ۸۰٪ کتابهای مخصوص کودکان ترجمه و ۲۰٪ تألیف نویسندگان ایرانی است.

۳. اکثر نویسندگان ایرانی برای کودکان و نوجوانان تنها ساده و پیش پا افتاده بودن مطالب یا داستانشان را شرط کودکانه بودن می‌پندارند و این نیز بدون شک کودکان را از تفکر خلاق باز خواهد داشت و پاسخگوی نیازها و رغبت‌های ایشان نخواهد بود. زیرا نویسندگان با این نیازها و رغبت‌ها آشنا نیستند.

۴. یک بعدی بودن نوشته‌ها بدون تجزیه و تحلیل یا شکافتن مطالب یا محکوم یا حاکم مطلق بودن.

۵. نتیجه‌گیری اخلاقی مستقیم و یا دادن پند و اندرز که هنوز هم برخی از نویسندگان حتی مترجمان ما این تصور باطل را دارند که پند و اندرز یا توصیه‌های اخلاقی مستقیم برای ایجاد رفتار مطلوب در کودکان کافی است.

۶. شتابزدگی نویسندگان که سروته را به اصطلاح به هم بیآورند.

۷. کمبود ویراستار ادبیات کودکان.

۸. بی‌توجهی یا بی‌اطلاعی اکثر مؤلفان و مترجمان و ناشران با معیارهای ادبیات و ادبیات کودکان.

۹. نامرغوبی و نامطلوبی کاغذ و چاپ و صحافی.

۱۰. تقلید کورکورانه و بی‌مطالعه از سبک یک نویسنده مشهور.

۱۱. کمبود انگیزه و محرک برای کوشش در ادبیات کودکان.

۱۲. حاکم بودن ادبیات شفاهی و فرهنگ شفاهی به جای ادبیات مکتوب و فرهنگ مکتوب.

منابع

۱. مکتبهای ادبی / رضا سیدحسینی
۲. ادبیات کودکان و نوجوانان / مصطفی رحماندوست
۳. درباره ادبیات کودکان / ماکسیم گورکی با ترجمه محمود حسینی‌زاد
۴. سخنی درباره ادبیات کودکان و نوجوانان / محمود حکیمی
۵. کتابخانه و کودک / نسرین دخت عماد خراسانی
۶. ادبیات کودکان / علی‌اکبر شعاری‌نژاد